

کاربردهای آموزشی...

نظریه رشد اخلاقی پیاژه و کلبرگ (۱)

دکتر رحمتا... مرزوقی

گونگون می‌شود. به این معنی که رابطه‌های اجتماعی در دو سوی یک طیف قرار می‌گیرند که در یک طرف، «رابطه‌های اجباری»^۶ وجود دارند که از خارج به فرد تحمیل می‌شود و به آن «رابطه مبتنی بر مرجعیت»^۷ نیز گفته می‌شود و به گونه‌ای مسلم منشأ پیدایش اخلاق تعبدی نیز هستند.

و در طرف دیگر، «رابطه‌های مبتنی بر همکاری»^۸ است که منجر به پیدایش نوعی آگاهی از هنجارهای آرمانی بین مردم می‌شود و پشتوانه همه قوانین است. این گونه رابطه‌های اجتماعی نه تنها منجر به پیدایش «رابطه‌های دوجانبه»^۹ و مطلوب بین افراد می‌شود بلکه به رشد «استقلال عقلانی»^{۱۰} افراد نیز کمک می‌کند به این گونه رابطه‌ها، «رابطه مبتنی بر تساوی»^{۱۱} نیز گفته می‌شود.^(۲) در این مرحله برای مثال، کودکی که باور قطعی به «تساوی بین افراد» دارد، می‌تواند مقداری از کیک شخصی خود را به کودکی که تمامی کیک

و همیشه انحراف از آنها نادرست نیست و نیت عمل نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیاژه براین باور است که اخلاقیات اجتماعی که برای افراد تجویز می‌شوند یک گونه نیستند. چرا که در جامعه گونه‌های متفاوتی از رابطه‌های اجتماعی وجود دارد که منجر به پیدایش اخلاقیات گوناگون می‌شود.

از نظر پیاژه نوع سومی از رشد اخلاقی نیز وجود دارد هرچند که وی نامی بر آن نهاده است ولی آن را مرحله‌ای می‌داند که اخلاق براساس همکاری شکل می‌گیرد و با آرمانهای اخلاقی نیز هماهنگ‌تر است.^(۱)

در این باره پیاژه براین باور است که اخلاقیات اجتماعی که برای افراد تجویز می‌شوند یک گونه نیستند. چرا که در جامعه گونه‌های متفاوتی از رابطه‌های اجتماعی وجود دارد که منجر به پیدایش اخلاقیات

نظریه رشد اخلاقی پیاژه

پیاژه در سال ۱۹۳۲ رشد اخلاقی کودکان را مورد بررسی قرار داد. وی در این باره از روش مصاحبه، تپله‌بازی و روش قضاوت در باره داستانهای فرضی، استفاده نمود و براساس این بررسی‌ها، دو مرحله رشد اخلاقی را عنوان کرد. مرحله اول، «اخلاق تمبّدی»^۱ است که تا پیش از سن ۷ تا ۸ سالگی بر کودکان حاکم است و در آن کودکان، اصول اخلاقی را «مطلق»^۲، «غیرقابل پرسش» و «غیرقابل تغییر» می‌دانند که به وسیله بزرگسالان تعیین شده‌اند. به این مرحله، «اخلاق واقع‌گرا»^۳ هم گفته می‌شود. مرحله دوم، «اخلاق مبتنی بر همکاری»^۴ است که بعد از ۷ تا ۹ سالگی بروز می‌کند و در آن، اخلاق به عنوان اصولی در نظر گرفته می‌شود که براساس توافق عمومی به وجود آمده‌اند. به این مرحله «نسبی‌گرایی اخلاقی»^۵ نیز گفته می‌شود و ارزیابی، آن است که قانون‌های اخلاقی، اموری قراردادی و قابل تغییراند



سهمیه او به گونه‌ای تصادفی روی زمین افتاده است، بدهد.

به هر حال پیاژه معتقد است که رابطه‌های مبتنی بر تساوی و احترام متقابل بین کودک و گروه همسال‌ها، سه پیامد برای رشد اخلاقی آنها دارد.

نخست آنکه این گونه رابطه‌ها، به دلیل آنکه کودک را در یک رابطه تساوی و عادلانه قرار می‌دهد، منجر به پیدایش حالت «عدم تعادل»^{۱۲} ذهنی می‌شود و لذا باعث می‌شود تا کودک، ساختار ذهنی خود را براساس این رابطه جدید تحت عنوان همکاری مساوی، بنیان نهد.

دوم آنکه، گروه همسال‌ها، کودک را در معرض دیدگاهها و نقطه‌نظرهای گوناگونی قرار می‌دهند و این موضوع باعث می‌شود تا «خودمحوری» فکری کودکان کاهش پیدا کند و سوم آنکه این گونه رابطه، به کودک کمک می‌کند تا مرز بین دیدگاه‌های خود و دیگران را بشناسد.^(۳)

نظریه رشد اخلاقی کلبیگ

کلبیگ^{۱۳} (۱۹۵۵) به مطالعه رشد و تحول استدلال اخلاقی کودکان پرداخته و در این باره از نظریه‌های مرییان و روان‌شناسانی همچون «روسو»، «دیویی»، «بالدوین»^{۱۴}، «هاب هاوس»^{۱۵}، «پک»^{۱۶} و «هویگهرست»^{۱۷} نیز بهره گرفت.^(۴) اما به

سر نمی‌زند.

ب- اخلاق «ابزار گونه نسبی»^{۲۲}

در این مرحله کودک برای دریافت پاداش، به سازگاری و هماهنگی با قانون روی می‌آورد و رابطه‌های افراد براساس یک «معامه» و دادوستد متقابل صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر منطبق «تو پشت مرا بخاران، من هم پشت تو را می‌خارام»، بر روابط حاکم است و تسلیم شدن کودک در برابر قانون‌های اخلاقی، تنها به خاطر پاداش و منفعت‌هایی است که از این گونه رابطه‌ها انتظار دارد.

۲- سطح اخلاقی «قرار دادی»^{۲۳}

در این سطح، معیارهای اخلاقی درونی می‌شوند و همچنین تمایل به سازگاری و هماهنگی و حفظ نظم اجتماعی وجود دارد. در این سطح دو مرحله وجود دارد:

الف - مرحله اخلاقی «بسر خوب»

دختر خوب»^{۲۴} (۱۷الی ۱۲ سالگی)

در این مرحله رفتار اخلاقی مطلوب آن است که مورد تصویب و تأیید دیگران باشد و کودک نیز به دنبال کسب لذت روانی یعنی به دست آوردن خشنودی دیگران است. همچنین در این مرحله، کودک در آغاز پذیرش قانون‌های اجتماعی و آغاز

گونه‌ای کلی باید گفت که کلبیگ، نظریه رشد اخلاقی پیاژه را گسترش داد و تکمیل نمود. وی همچون پیاژه بر این باور بود که، رشد اخلاقی براساس توانایی‌های شناختی شکل می‌گیرد. او در این مطالعه، با استفاده از روش «تجزیه و تحلیل پاسخ‌های کودکان» به «معماها یا مسائل دشوار اخلاقی»^{۱۸}، سه سطح تفکر را با شش مرحله رشد اخلاقی مطرح نمود.^(۵) که در ادامه به گونه‌ای خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- سطح اخلاقی «پیش قرار دادی»^(۱۹)

(زیر ۷ سال)

در این سطح کودکان، رفتار خوبی دارند و براساس پاداش و تنبیه عمل می‌کنند و در آن معیارهای اخلاقی هنوز درونی نشده است و معیارهای حقیقی اخلاقی نیز وجود ندارند. این سطح خود شامل دو مرحله است:

الف - اخلاق مبتنی بر «تنبیه»^{۲۵}

و «اطاعت»^{۲۶}

در این مرحله کودک سعی می‌کند تا با عمل اخلاقی، خود را از تنبیه رها نموده و در برابر قدرت بالاتر نیز اطاعت نشان دهد. بنابراین عمل غیراخلاقی، تنها به دلیل ترس و تسلیم در برابر قدرت بالاتر از آنها



داوری درباره خوبی و بدی رفتار قرار دارد و برای بار نخست نیز بین نیت و عمل تفاوت می‌گذارد.

ب - اخلاق مبتنی بر «نظم و قانون»^{۲۵} (۱۱۲ الی ۱۵ سالگی)

در این مرحله افراد به پاسداری کورکورانه از قراردادها می‌پردازند و براین باورند که انتقاد از قانون، ممنوع است و بنابراین معتقدند که همه افراد بایستی از یک قانون اجتماعی و اخلاقی پیروی کنند وگرنه نظم اجتماعی، دچار بحران می‌شود. البته این هماهنگی امری وجدانی نیست بلکه به منظور جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی است.

۳ - سطح اخلاق «فوق قراردادی»^{۲۶}

در این سطح به خاطر آنکه افراد توانایی تفکر انتزاعی را دارا هستند، به آخرین مرحله از رشد اخلاقی می‌رسند. در این سطح داوری‌های اخلاقی درونی شده و اخلاق نیز براساس اصول جهانی و برتر از قراردادها در نظر گرفته می‌شوند. این سطح نیز دو مرحله دارد:

الف - اخلاق مبتنی بر «قرارداد اجتماعی»^{۲۷}

در این مرحله رفتار اخلاقی مبتنی بر

چارچوب حقوق عمومی افراد و معیار قابل قبول جامعه است و برخلاف سطح‌های پیشین، قانون‌ها و باورهای اخلاقی نیز انعطاف پذیرترند.

ب - اخلاق مبتنی بر «اصول جهانی»^{۲۸}

در این مرحله افکار و رفتار درست و نادرست به تصمیم خود فرد بستگی دارد و داوری‌ها برپایه وجدان فردی و اصول جهان شمول بنا می‌شود و یا به عبارت دیگر افراد سعی می‌کنند تا به ندای وجدان خود پاسخ گویند.

کلبرگ معتقد است که مدرسه بایستی آگاهی در باره عدالت را به دانش‌آموزان منتقل کند و توجه به حقوق دیگران را در یک جامعه دموکراتیک به آنها بیاموزد و لذا می‌گوید که این گونه آموزش‌ها بایستی در جریان آموزش مدنی و اجتماعی به دانش‌آموزان داده شود

کاربردهای آموزشی نظریه پایزه و کلبرگ

هم پایزه و هم کلبرگ به موضوع مأموریت اخلاقی مدرسه توجه کرده‌اند. در این باره پایزه (۱۹۳۲) می‌گوید که

دموکراسی به معنی جایگزینی رابطه یک طرفه به یک رابطه متقابل همراه با توجه به خواسته‌های مستقل فرد است و آنچه نیز آرمان تلقی می‌شود آن است که به همکاری، شأن فردی و احترام به افکار عمومی، پرداخته شود و بنابراین معتقد است که در هنگامی که آرمانهای دموکراتیک در تمامی جنبه‌های زندگی انسان وارد شده است، توجه به این موضوع‌ها نیز بایستی در آموزش مورد توجه قرار گیرد.^(۶)

کلبرگ (۱۹۷۵) نیز معتقد است که مدرسه بایستی آگاهی در باره عدالت را به دانش‌آموزان منتقل کند و توجه به حقوق دیگران را در یک جامعه دموکراتیک به آنها بیاموزد و لذا می‌گوید که این گونه آموزش‌ها بایستی در جریان آموزش مدنی و اجتماعی به دانش‌آموزان داده شود چرا که این گونه آموزش‌ها می‌تواند زمینه پرورش اخلاقی افراد را فراهم آورد. وی در این باره نقش معلم‌ها را مهم دانسته و وظیفه‌های هشت‌گانه‌ای را برای آنها می‌شمارد:

نخست آنکه به طرح معماها و موضوع‌های دشوار اخلاقی بپردازد، اعضای کلاس را به اتخاذ یک موضوع در باره آنچه که باید انجام دهد، برانگیزاند، سوم آنکه، اعضای کلاس را به مواجهه و بررسی دوجانبه استدلال اخلاقی یکدیگر وادار سازد. چهارم آنکه به دیدگاه

- 6 - Relations of Cosntraint
- 7 - Relation of authority
- 8 - Relations of cooperation
- 9 - Reciprocal relationship
- 10 - Autonomous rationality
- 11 - Relation of equality
- 12 - Disequilibrium
- 13 - Kohlberg
- 14 - Baldwin
- 15 - Hobhouse
- 16 - Peck
- 17 - Havighurst
- 18 - Moral dilemma
- 19 - Pre conventional
- 20 - Punishment
- 21 - Obedience
- 22 - Instrumental relativist
- 23 - Conventional
- 24 - Good boy, good girl
- 25 - Law and order
- 31 - Wolfe
- 32 - Kamii
- 33 - Dervies

اخلاقی خود را مشاهده کند به گونه‌ای که دچار حالت عدم تعادل ذهنی گردد.

۶ - فرد در موقعیتی قرار گیرد که رابطه‌های انسانی براساس عدالت و احترام متقابل است.

به هر حال در این باره نکته‌های گوناگونی را می‌توان مطرح نمود که به خاطر انسجام و هماهنگی در ادامه نوشتار، سعی خواهد شد تا کاربردهای آموزشی این نظریه‌ها در سه دوره کودکی اولیه، دوره دبستان و دوره نوجوانی، به تفکیک مورد بررسی قرار گیرند.^(۸)

الف - پرورش اخلاقی در دوره «کودکی اولیه»^{۲۹}

به دلیل آنکه در این دوره کودکان دارای تفکر (خودمحور) هستند بایستی مهمترین هدف آموزش اخلاقی آن باشد که با هدایت کودکان به سمت رابطه‌های مبتنی بر همکاری و احترام متقابل با یکدیگر، تفکر خودمحور را در آنها کاهش دهد.

کامرکر^{۳۰} (۱۹۷۵) و ولف^{۳۱} (۱۹۷۵) براین باورند که یکی از روش‌های رسیدن به هدف بالا، آن است که کودکان، چگونگی تجربه کردن موقعیت‌ها را به وسیله دیگران مشاهده کنند و همچنین تأثیر رفتارهای خود را بر دیگران نیز مورد توجه قرار دهند.

در محیط‌های پیش‌دبستانی همچنین می‌توان از فعالیتهای کودکان در گروههای کوچک به منظور تقویت فعالیت‌های مشارکتی در میان آنها، سود جست. در این باره کسامی^{۳۲} و درویس^{۳۳} (۱۹۷۵) نیز براساس این استدلال پیازه که «یک بازی خوب سازمان یافته، بیشتر از ارائه یک درس اخلاقی در رشد کودکان مؤثر است»، از روش بازی‌های دسته جمعی استفاده کردند. علاوه بر این می‌توان قانون‌ها را در دوره پیش‌دبستانی به بحث گروهی گذاشت و به کودکان در اتخاذ تصمیم در باره قانون‌های اخلاقی، مسئولیت داد تا کم کم زمینه برای رشد درونی اخلاق در آنها، فراهم آید.

هر یک از دانش‌آموزان توجه نموده و به ارزیابی درستی از آنها بپردازد. پاسخ‌های سطح بالای دانش‌آموزان را تقویت کند. به خلاصه کردن و انعکاس عمومی گفتگوهای گروهی بپردازد و فرآیند گفتگوهای مطلوب گروهی را تسهیل کند. همچنین کلبرگ و همکارانش (۱۹۷۵) براین باورند که در شش موقعیت یا تجربه، رشد اخلاقی تسهیل می‌شود:^(۷)

۱ - فرد در موقعیتی قرار گیرد که مسائل را از زاویه‌های دیگر نیز مشاهده کند.

۲ - در یک مباحثه مستدل و منطقی درگیر شود.

۳ - مسئولیتی در اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی به فرد داده شود به گونه‌ای که وی تأثیر مسئولیت اخلاقی را در پیرامون خود مشاهده کند.

۴ - فرد را در معرض مناقشه‌ها و تناقض‌هایی در استدلال اخلاقی قرار دهند.

۵ - در موقعیتی قرار گیرد که استدلال‌های یک سطح بالاتر از رشد

منابع:

1. Gallagher, J.M. and Easley, J.A. (1978). Knowledge and Development: volume 2 piaget and Education. New York and London. Plenum press. p.27.
2. Piaget, Jean. (1975). The moral Judgment of the child translated by M. Gabin. P. 402 - 403.
- ۳ - همان منبع شماره (۱). ص ۲۸.
- ۴ - سیف و دیگران - روان‌شناسی رشد (۱) - انتشارات سمت - تهران (۱۳۷۳). ص ۱۰۷.
- ۵ - همان منبع، ص ۱۱۴ - ۱۱۱.
- ۶ - همان منبع (شماره ۱). ص ۳۶.
- ۷ - همان منبع شماره (۱). ص ۳۸ - ۳۷.
- ۸ - همان منبع شماره (۱). ص ۶۲ - ۵۴.
- ۹ - همان منبع شماره (۱). ص ۶۷ - ۶۲.
- ۱۰ - باقری نوع‌پرست، خسرو - نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی (اخلاق قدما و روان‌شناسی معاصر) - پایان‌نامه تحصیلی جهت اخذ دانشنامه مدرسی - دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۴) - مقدمه ص ۱.

